

## گونه‌های رنگ در زبان فارسی\*

ایرج افشار

مقاله دلپذیر (بررسی رنگ‌واژه‌ها در زبان فارسی) نوشته آقای مهرزاد منصوری که در شماره ۱ و ۲ سال سیزدهم مجله زبان‌شناسی (۱۳۷۵ ه.ش) چاپ شده و در آذر ۱۳۷۷ ه.ش انتشار یافته است مرا بر این انگیزه آورد تا به یادداشت‌های فراموش‌شدهٔ چهل ساله بنگرم و سرانجامی به آن بدهم.

من هیچ‌گونه تأمل و بصیرتی در زمینه‌های زبان‌شناسی ندارم و پیاده پیاده‌ام. پس کوششم در گردآوری مصطلحات مربوط به رنگ‌ها لغت‌شناسی نبوده است. واژه‌ها و اطلاعات مربوط به رنگ در زبان فارسی را به مناسبت آن گرد کرده بودم که یکی از موازین و قواعد کاغذشناسی در نسخه‌های خطی ذکر رنگ کاغذ آنهاست. فهرست‌نگاران مقید و ملزم به تعیین نوع رنگ کاغذ می‌باشند و هر کس به ظن و سلیقه خود در تشخیص رنگ‌های گونه‌گون کاغذها، نام‌هایی را که با آنها آشنایی داشته است آورده. «عرض نویسان» قدیم هم در پشت نسخه‌های خطی بر همین راه رفته‌اند. به‌طور مثال نخودی، نباتی، کاهی، شکری، رنگ‌های نزدیک به هم است و فهرست‌نگار به مشابَهت یکی از آنها را برای تعیین رنگ کاغذ برمی‌گرفت.

---

\* مجلهٔ زبان‌شناسی، سال ۱۴، شماره ۱ و ۲ (۱۳۷۸)، صص ۲ تا ۹.

شمار رنگ‌واژه‌هایی که من گرد آورده‌ام از یکصد و هفتاد درگذشته است و چند تا از آن میان واژه‌هایی است که رنگ‌های درهم و طرح‌واره را مشخص می‌سازد، مانند ابری، ابلق، گل باقلایی، ...

شمار رنگ‌های مذکور در مقاله آقای منصور یکصد و هجده است که اگر رنگ‌های مکرر یعنی آنها را که با وصف حالات رنگ (سیر، روشن، باز و...) همراه است از آن تعداد برگیریم شمار رنگ‌های اصلی آن مقاله شصت و سه است.

مأخذ عمده من در تهیه صورت رنگ‌ها عبارت بوده است از آنچه در افواه سایر است (مخصوصاً نزد رنگ‌رژها و قالی‌باف‌ها) و البته مقداری هم آنهاست که در متون زبان فارسی و نسخه‌های خطی دیده‌ام.

پیش از آن که نام رنگ‌ها و طبقه‌بندی‌های آنها را بیاورم، یادداشت‌هایی را می‌آورم که مربوط به شناسایی منابع مربوط به رنگ‌شناسی است و می‌تواند مکمل مقاله آقای منصور باشد.

### منابع تحقیق

مهم‌ترین تحقیق به زبان عربی مقاله «الالوان و الاصبغ» نوشته احمد تیمور بک مصری است که در الموسوعة التیموریة من کنوز العرب فی اللغۃ و الفن و الادب (با مقدمه عباس محمود العقاد) به چاپ رسیده است (قاهره، ۱۹۶۱ م).

مهم‌ترین پژوهش برای رنگ در فرهنگ ایرانی مقاله color مندرج در دایرة المعارف ایرانیکا است که در دو بخش به قلم آن ماری شیمل و پ.پ. سوچک نگارش یافته. بخش اول به موضوع نماد رنگ در ادبیات فارسی

اختصاص دارد و بخش دوم مربوط است به کاربرد و اهمیت رنگ در هنر ایرانی. از نوشته‌های ایرانیان به مقاله خانم مریم میراحمدی به عنوان «رنگ در تاریخ ایران» مندرج در مجله مطالعات تاریخی، سال اول (۱۳۶۸ ه.ش)، شماره اول، ص ۱۴۴-۱۱۵، نیز مراجعه شود.

ذکر رنگ‌ها را آسان‌تر از هر جا در رسائل و کتاب‌های خاص جواهر (به‌طور مثال عرایس الجواهر، تألیف ابوالقاسم کاشانی، قرن هفتم)، در متون مربوط به صناعات (به‌طور مثال بیان الصناعات، تألیف حبیب تغلیسی، قرن ششم) و همچنین در مصادر مرتبط با کاغذ و تذهیب - که مجموعه‌ای از آنها را آقای نجیب مایل هروی به نام کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی گرد آورده است - می‌توان دید.

جز آنها رسائل خطی مذکور در ذیل برای رنگ‌شناسی از مآخذ اصلی  
توانند بود:

خواص رنگ به گفته افلاطون (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش  
۴۵۰۳).

راحة الفردوس، تألیف ۱۱۶۹، نوشته عزیزالله محمد مراد بک (کتابخانه  
مجلس سنا، ش ۱۵۷/).

رنگرزی (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۳۶۶/۱۷ و ۸۸۸۷).

[زینت و لباس]، تألیف قاضی اختیار تونی که معرفی آن به قلم دکتر  
محمود فاضل یزدی در مجله مشکوة، ش ۳۹ (تابستان ۱۳۷۲ ه.ش)، ص ۱۷۹،  
آمده است.

«شرایط صباغان» در دیوان کاشف اصفهانی، ص ۸۵ (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۲۹۳۴).

قلع آثار (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۸/۸۲۴۶).  
گلزار صفا (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تألیف احمد منزوی، ص ۱۹۱۵).

مجموعه الصنایع (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳۷۷۵).  
معرفه الالوان (ص ۲۴-۲۵ مجموعه اصغر مهدوی، ش ۲۸۲، نشریه نسخه‌های خطی، ۲/۱۰۶).

### فهرست و نام رنگ‌ها

(\* نشانه آن است که در جدول تنظیمی آقای منصوری ذکر آن آمده است)

آبگینه‌ای

\* آبی

\* آبی آسمانی

\* آبی سورمه‌ای

\* آبی نفتی

آتشی (مثلاً در گل آتشی)

آجری (در بیان‌الصناعات: آگرگون)

آسمونی (آسمانی) (در متون آسمانگون هم آمده)

آفتاب غروبی (در لهجه یزدی)

\* آفتابی (در لاری)

آلاپلنگی (در یزدی به عنوان طرح نه رنگ)

\* آلبالویی

ابری (طرح)

ابلق (طرح)

أخرایی (منسوب به گل أخرا)

\* ارده‌ای

\* ارغوانی

استخوانی

اطلسی (براق)

اکلیلی

الماسی

اناری

بادامی

بادنجانی

برنجی

بلوری

بلوطی

بنفسجی (در متون قدیم)

\* بنفش

بور (دید خود را سرخ و سبز و بور و زرد، مولانا)

بیجاده‌ای

\* بیدمشکی

\* بیدنجیلی (در یزدی در مورد گربه)

\* پرتقالی

\* پسته‌ای

\* پشت‌گلی

پوست پسته‌ای

پوست پلنگی (طرح)

پوست پیازی

پولادی

\* تریاکی

تنباکویی

توسی (توس در یزدی به کپک گفته می‌شود)

\* جگری

جوزی (بنفش کم‌رنگ)

جوگندمی

جیوه‌ای (زیبقی)

چس مرغی (در یزدی، طرح)

چمنی (فرهنگ چراغ هدایت، ۱۰۶)

چهره‌ای (صورتی)

چیتی (در قالی‌بافی در راور کرمان)

حنایی

\* خاکستری

\* خاکی

\* خردلی

\* خرمایی

خونی

\* دارچینی (در قالی‌بافی در راور)

دودی (دوده‌ای)

دوغی

روناسی

زاغ (زاغی)

زبرجدی

\* زرد

زردچوبه‌ای

زرد لیمویی

\* زرشکی

زرنیخی (بیان‌الصناعات)

زعفران

زغالی

زمردی

زنگاری (زنگالی)

زنگاری سپید (بیان‌الصناعات)

زیبقی (جیوه‌ای)

\* زیتونی

زیره‌ای

سایه‌کوهی (در قالی‌بافی در راور؛ نیز در رساله چراغان)

\* سبز

\* سبز چمنی

سبز لیمویی

سبز مغز پسته‌ای

سپیدایی (سفیدابی، بیان‌الصناعات)

سربازی

سربی

\* سرخ

\* سرخابی

سرکه‌ای

سرمه‌ای (سورمه‌ای)

سرنجی

\* سفید

سفیدابی (سپیدایی)

\* سفید یخچالی

سماقی

سنجدی



سورمه‌ای (سرمه‌ای)

\* سوسنی (فرهنگ گیلکی؛ نیز در قالی بافی در راور)

\* سیاه

سیاه دودی

سیاه زغالی

سیاه سوخته

سیلویی

سیمابی

شبقی

شتری (منظور رنگ شتری است که مایل به قهوه‌ای کم‌رنگ است نه شتر

سیاه)

شرابی

شربتی (چراغ هدایت، ۲۰۱)

شُشی

شفقی (تا آفتاب رخ شفقی کرده‌ای ز می... دیوان اشرف مازندرانی، ص

۲۰۸)

\* شکری (چراغ هدایت، ص ۱۵۹، ۲۰۱)

\* شکلاتی

شله‌ای

شمعی (چراغ هدایت، ص ۲۵۰ = سبز مایل به سیاهی)

شنگرفی (شنگرفی)

شیرچایی

شیرشکری

شیره‌ای (منظور شیرۀ انگورست)

شیری

صدفی

صندلی (رنگ چنجه زرد مایل به صندل است، جهانگیرنامه، ص ۵)

\* صورتی

طاووسی (لطایف الطوائف، ص ۴۱۳)

طلایی

\* طوسی (توسی)

عاجی

عقیقی

عنابی

عودی (چراغ هدایت، ص ۲۴۴)

فستقی (پسته‌ای)

فلفل نمکی

فولادی (پولادی) (در قالی‌بافی در راور)

فیروزه‌ای

\* فیلی

\* قرمز

قلعی (رصاصی): قلعه قلعی گردون با فرازقلعه‌ات / کم‌ترین رنگی است در خندق که ناپیدا بود (بدر شروانی)

\* قهوه‌ای (باید دید قبل از ورود قهوه چه نام مشخصی به این رنگ می‌داده‌اند)<sup>(۱)</sup>

قیری

کافوری

کاکائویی

کاهی

کبریتی

کبود

کهربایی (چراغ هدایت، ص ۲۰۱)

گردویی

گل اناری (گلناری)

گل باقلایی (طرح)

گل خاری (در قالی‌بافی در راور)

گل ماشی

گلی

گندمی

گوجه‌فرنگی

گه مرغی (طرح)

لاجوردی (لاژوردی)

لاکی

لبویی

لعلی

\* لیمویی

\* ماشی

مرغشی (طرح)

\* مرمری (طرح)

مسی

مشکی

موشی (زرد تیره)

\* مهتابی (مانند رنگ بیمار)

میشی (مخصوصاً در مورد چشم)، نسبت آن به چیست درنیافتیم.

\* نارنجی (شاهد بزم ترا تا کسوت والا شود/ گاه نارنجی نماید گاه احمر

آسمان، دیوان قبولی، ص ۳۰)

نباتی

\* نخودی

نرگسی (در قالی بافی در راور)

نسواری (در افغانستان)

نفتی

\* نقره‌ای

نوک مدادی

نیلوفری

نیلی

یاقوتی

\* یشمی

## چند توضیح

در نام‌گذاری رنگ‌ها کلمه «شوکلای» و «پرتقالی» مأخوذ از لفظ فرنگی است. جز آن بعضی رنگ‌واژه‌های اروپایی هم عیناً به زبان فارسی وارد شده است که من در جدولم نیاورده‌ام مانند «بژ» (beige)، کرم (creme) سیکلمه (مأخوذ از نام گل (cyclamen)، کاکائویی.

مراتب و درجاتی را که هر یک از رنگ‌ها از کم‌رنگ تا پررنگ می‌تواند داشته باشد در جدول خود نیاورده‌ام ولی در جدول آقای منصور آمده است. در این باره رنگ‌ها با اصطلاحات مختلفی شناسانده می‌شوند که عمدتاً عبارت است از:

آرام - باز - براق - بیرنگ - پررنگ - پریده - تابیده - تاریک - تند -  
تیره - تیل - چرک - خودرنگ - روشن - سوخته - سیر - شفاف - کم‌رنگ -  
کدر - گرفته - مات - مرده - ملایم.

در بعضی از گویش‌ها و در زبان دامداران مصطلحات خاص برای شناساندن رنگ و طرح چارپایان و مرغان هست که می‌باید گردآوری شود و من در پی آنها نرفته‌ام.

## انتساب رنگ‌ها و طبقه‌بندی آنها

- الف. رنگ‌های اصلی: آبی - بنفش (بنفشه منتسب بدان شده) - بور - زرد - سبز - سفید - سیاه - قرمز (سرخ) - قهوه‌ای - کبود.
- ب. رنگ‌های منتسب به عناصر طبیعی: آبی - آتشی - آسمانی - آفتاب - غروب - آفتابی - ابری - خاکی - خاکستری - دودی - سایه کوهی - شفقی - مهتابی.
- پ. رنگ‌های منتسب به جانوران: زاغ - گرگ و میش - شتری - طاووسی - فیلی - موشی.
- ت. رنگ‌های منتسب به درختان: صندلی.
- ث. رنگ‌های منتسب به میوه‌ها: آلبالویی - اناری - بادامی - بلوطی - پرتقالی - پسته‌ای - پوست پسته‌ای - جوزی - خرمايي - زرشکی - زیتونی - سماقی - سنجدی - عنابی - فستقی - فندقی - کاکائویی - گردویی - لیمویی - نارنجی.
- ج. رنگ‌های منتسب به سبزی‌ها: بادنجان - پوست پیازی - جوگندمی - چمنی - روناسی - زیره‌ای - کاهی - گندمی.
- چ. رنگ‌های منتسب به بقولات: گل باقلایی - ماشی - نخودی.
- ح. رنگ‌های منتسب به گل‌ها: ارغوانی - بنفسجی - بیدمشکی - پشت‌گلی - سوسنی - گل اناری - گل خاری - گلی - نرگسی - نیلوفری.
- خ. رنگ‌های منتسب به سنگ‌ها و کانی‌ها: آخرايي - الماسی - بیجاده‌ای - جیوه‌ای - زبرجدی - زرنیخی - زمردی - شنگرفی - صدفی - عقیقی -

- فیروزه‌ای - قیری - کهربایی - لاجوردی - لعلی - مرمری - نیلی - یاقوتی - یشمی.
- د. رنگ‌های منتسب به فلزات: برنجی - فولادی - سربی - طلایی - فولادی - قلعی - مسی - نقره‌ای.
- ذ. رنگ‌های منتسب به اشیا: آبگینه‌ای - آجری - اکلیلی - بلوری - سپیدابی - سربازی (لباس) - سرخابی - سرمه‌ای - شله‌ای - شمعی - کتانی - مدادی.
- ر. رنگ‌های منتسب به ساخته‌های خوردنی: ارده‌ای - سرکه‌ای - شرابی - شربت‌ی - شکری - شکلاتی - شیرچایی - شیرشکری - شیرهای - شیرینی - قهوه‌ای - لبویی - نباتی.
- ز. رنگ‌های منتسب به ادویه: حنایی - خردلی - دارچینی - زردچوبه‌ای - زعفرانی - زیره‌ای - عودی - فلفل نمکی - کافوری - مشک‌ی - نسواری.
- ژ. رنگ‌های منتسب به اجزای بدن: استخوانی - جگری - چهره‌ای - خونی - صورتی - عاجی.
- س. رنگ‌های منتسب به متفرقات: تریاکی - توسی - تنباکویی - چینی - دوغی - زغالی - زنگاری - سیلویی - شبقی - کبریتی - لاک‌ی - میشی.

### طبقه‌بندی درجانی

- طبقه‌بندی دیگری که می‌باید در نظر داشت تقسیم رنگ‌ها بر حسب تمایل آنها به رنگ اصلی است، به‌طور مثال:
- آبی‌ها: آبگینه‌ای - آسمانی - توسی - جیوه‌ای - فیروزه‌ای - لاجوردی - نیلی.

بنفش‌ها: بادنجانی - دودی - کبودی.  
 زردها: خردلی - زردچوبه‌ای - زعفرانی - طلایی.  
 سبزه‌ها: پسته‌ای - چمنی - زبرجدی - زمردی - زیتونی.  
 سرخ‌ها: آتشی - آلبالویی - اخراپی - جگری.  
 سفیدها: استخوانی - شربتی - شیری - صدفی - عاجی.  
 سیاه‌ها: دودی - زاغ - زغالی - سورمه‌ای - قیری.  
 قهوه‌ای: ارده‌ای - بلوطی - تریاکی - خرماپی - شتری - فندقی.

#### یادداشت:

۱. البته نوعی شراب نامرغوب به نام «قهوه» در متون داروشناسی کهن یاد شده که ممکن است با نام «قهوه‌خانه» ارتباط داشته باشد اما با نام این رنگ گمان نمی‌رود که مرتبط بوده باشد.